



تفکرات عثمانی، اموی و رومی فاجعه کربلا را رقم زد

تفکرات عثمانی، اموی و رومی بود که فاجعه کربلا را رقم زد و این حقیقت با ادله و شواهد متقن تاریخی در کتاب بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا آورده شده است.

تفکرات عثمانی، اموی و رومی بود که فاجعه کربلا را رقم زد و این حقیقت با ادله و شواهد متقن تاریخی در کتاب بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا آورده شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، بازشناسی تفکر سیاسی مذهبی نیروهای معارض قیام امام حسین (ع) در کوفه و کربلا از موضوعات بسیار مهمی است که با توجه به نقش کوفیان و اتفاق این فاجعه عظیم در حوزه جغرافیای شیعه، شبها و تهمت‌هایی را متوجه تاریخ تشیع نموده است.

دشمنان شیعه همسو با تبلیغات امویان با این مغالطه و تحریف تاریخ که کوفه پایگاه شیعیان بوده و آنان از یک سو دعوت کنندگان امام و از سوی دیگر سرکوب کنندگان قیام کربلا بوده اند؛ در صدد هستند تا شیعیان را مسئول این فاجعه معرفی کرده و عزاداری آنان را یک نوع سرپوش و قریب القا نمایند. حرکت توأبیین نیر فرصت مناسبی به حزب حاکم داد تا ضمن تبرئه خود، آن را شاهی بر این مدعا تبلیغ کند.

همان طور که گفته شد یکی از اتهاماتی که بعضی از اهل سنت به شیعیان می‌زنند، این است که امام حسین (ع) را شیعیان کشتند. در جهان عرب چند کتاب در این باره منتشر شده است؛ از جمله: من قتل الحسین؟ از عبدالله بن عبدالعزیز و من هم قتله الحسین رضی الله عنه؟ از عبدالشکور لکهنوی، ترجمه محمد سلیم شاه. در هند و پاکستان نیز در حدود ۱۰ کتاب در این موضوع به چاپ رسیده است. در کتاب فهرست واره ایرادات و شبها علیه شیعیان در هند و پاکستان، از سید کمال حاج سید جوادی (چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۶۲-۶۵، فهرست این آثار آمده است.

«بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا» کتابی درباره پاسخگویی به این نگاه است که نه تنها شیعیان، مسئول واقعه کربلا نبودند بلکه تفکرات عثمانی، اموی و رومی بود که فاجعه کربلا را رقم زد و این حقیقت با ادله و شواهد متقن تاریخی در این کتاب و دیگر آثار، بررسی شده و توسط محمدرضا هدایت پناه نوشته شده است. نویسنده ثابت کرده است که کوفی بودن مساوی با شیعه بودن مغالطه ای است که پس از فاجعه کربلا جهت تبرئه حزب حاکم به طور گسترده تبلیغ شد و گذاشت تا حقیقت و ماهیت فکری و سیاسی نیروهای معارض آن گونه که هست، شناخته شود.

این پژوهش نخست در قالب مقاله ای به چاپ رسید و سپس با اضافاتی تحت عنوان جریان شناسی فکری معارضان قیام کربلا منتشر شد (چاپ اول: قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۲)، و با اصلاحات و اضافاتی فراوان، بازنویسی شد و در سال ۱۳۸۸ به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شد و به چاپ‌های متعددی رسید.

نویسنده با ارائه دلایل و قرائن متعددی، از جمله با استناد به نمادها و شعارهای عثمانی در سپاه مقابل امام حسین (ع)، ثابت کرده است که ایشان عثمانی مذهب بودند و کوفی بودنشان هیچ تعارضی با عثمانی بودنشان ندارد. در بحثی ذیل عنوان «آشنایی با عثمانی مذہبان نقش آفرین در حادثه کربلا»، ۳۶ تن از این عده شناسانده شده اند.

سه کتاب دیگر در این موضوع، با مشخصات زیر، وجود دارد: زهیر علی حکیم. من قتل الامام الحسین علیه السلام؟ اشراف و تصحیح فاضل تاروتی. چاپ اول: قم، مؤسسه عاشوراء، ۱۴۲۷. ۲۷۲ ص، وزیر؛ کاظم مصباح. من قتل الامام الحسین (ع)؟ چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۸. ۶۵۶ ص، وزیر؛ سید علی حسینی میلانی. من هم قتله الحسین علیه السلام شیعة الکوفة؟ چاپ اول: قم، مرکز الحقائق الاسلامیة، ۱۴۲۹. ۴۸۷ ص، وزیر.

تفکر عثمانی چیست؟

عثمانیه اصطلاحی سیاسی و نام فرقه ای است که بستر تاریخی آن به ماجرای کشته شدن عثمان و پس از آن باز می‌گردد. علمای اهل سنت بر این باورند که مسلمانان تا پیش از کشته شدن عثمان امت واحد بودند؛ اما پس از این ماجرا

به دو گروه مهم سیاسی عثمانی و علوی تقسیم شدند که منشأ پیدایش حوادثی در جهان اسلام گردید. (ذهبی، الف، ج ۱۱، ص ۲۲۶)

بر اساس اعتقاد عثمانیان، عثمان مظلومانه کشته شد. آنان معتقدند که علی (ع) مخفیانه با گروه های شورشی همکاری و یا رهبری آن را به عهده داشته است؛ (طبری، الف، ج ۳، ص ۴۴۹؛ شیخ مفید، ج، ص ۲۱۰-۲۱۱ و ۲۱۸) دست کم می گفتند او با سکوت و کناره گیری خود با آنان هم نوایی کرده است؛ در نتیجه تمام این گروه ها مجرم اند و باید قصاص شوند و علی (ع) نیز در جرم آنان سهیم است. هم چنین خلافت او، به دلیل مخالفت و عدم بیعت گروهی از مسلمانان شام و بصره، مشروعیت نداشته و دوران خلافت او جز دوران فتنه نام دیگری ندارد. از نظر فضیلت و برتری نیز عثمان را بر امیرالمؤمنین (ع) مقدم می داشتند. (ر. ک: عجللی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ شیخ مفید، ص ۸۵ و ص ۲۰۷-۲۱۱؛ ابن حجر، ب، ج ۶، ص ۱۳۲ و ج ۱۲، ص ۲۷۱) به کسانی که دارای چنین تفکری بودند عثمانی و شیعه عثمان می گفتند و چنین عقیده ای دین عثمان در مقابل دین علی (ع) بود.

چرا پرداختن به کربلا اهمیت دارد؟

حادثه عظیم و ارزشمند کربلا، توجه محققان بسیاری از شیعه و سنی و حتی غیرمسلمان را به خود جلب کرده است و هریک از زاویه ای به آن نگریسته و آن را بررسی و تحلیل کرده اند، اما به نظر می رسد هنوز نکات و مطالب قابل توجهی وجود دارد که به دلیل حساسیت یا شهرت، کمتر نقد و بررسی شده اند. از جمله این موارد، شناخت دقیق تفکر سیاسی مذهبی نیروهای عراقی است که در برابر قیام امام حسین (ع) صف آرایی کردند و در کوفه و کربلا حزب اموی را یاری رساندند.

بر اساس مطالب کتاب، پرداختن به این موضوع - به ویژه در عصر حاضر - از چند جهت حائز اهمیت است؛ نخست وحشت و ترس است که از بیداری مسلمانان و گسترش و توجه روز افزون جهان به اسلام و تشیع، دشمنان مسلمانان و برخی مسلمانان نادان و متعصب وهابی را فراگرفته و تبلیغات وسیعی را که به تعبیر جامع و دقیق مقام معظم رهبری باید آن را ناتوی فرهنگی نامید، برای مهار و منحرف کردن افکار عمومی از اسلام و تشیع به راه انداخته اند.

آنان برای رسیدن به این هدف، تلاش های گوناگونی را در جهان آغاز کرده اند؛ تصویر خشن و زشت از اسلام و مسلمانان با عنوان تروریست و تحریف جهاد مقدس به این نام ضد انسانی، دامن زدن به اختلافات مذهبی شیعه و اهل سنت و بزرگ نمایی آنها و طرح شبهات قدیم و جدیدی با عناوینی، نظیر؛ تحریف قرآن، لعن بر صحابه، تکفیرگرایی مسلمانان؛ فرقه سازی، گسترش و تقویت خرافه پرستی و غالی گرایی، قومیت گرایی و طرح ده ها و صدها شبهه فرهنگی و دینی دیگر و ده ها سایت ضد تشیع که نشان دهنده صرف هزینه هنگفت و به استخدام گرفتن تمام امکانات و نیروهای فکری و متخصص خود از سراسر جهان است.

جهت دوم که در راستای مطلب نخست است، خلع سلاح کردن شیعیان از مبانی و پتانسیل های غنی مذهبی و اعتقادی خود است که در جبهه اول مبارزات علیه کفار و دشمنان اسلام قرار دارند و به یقین یکی از این مبانی و موضوعات مهم اعتقادی که دیگر نه تنها برای شیعیان، بلکه برای جهان اسلام، نتایج مهمی را در عصر حاضر رقم زده است، عاشورا و قیام سیدالشهدا (ع) است. اگر تا دیروز نسبت به چگونگی مراسم عاشورا به شیعه ایراد می گرفتند و تمام آن را تا سر حد بدعت و اعمال خلاف شرع تفسیر و تبلیغ می کردند و بلکه به سخره می گرفتند؛ امروز شبهات خود را متوجه اصل و ریشه آن کرده و صرف نظر از کیفیت مراسم عاشورا، تشیع را به دروغگویی و تحریف هزار ساله آن چیزی که خود آن را واقعیت مسلم تاریخی فرض کرده اند، متهم می کنند.

آنان دیگر به فمه زنی و زنجیرزنی و علم و کتل چندان کاری ندارند، بلکه به عاملان و همکاران و همدستان و صحنه گردانان این فاجعه خونین جهان اسلام کار دارند و با بهره گیری از گزارش های مورخان همسو با امویان، تحریف مفاهیم، زمینه های تاریخی و به روز کردن گفته های برخی مورخان و علمای سلفی و وهابی، شیعیان و پیروان اهل بیت (ع) این پرچم داران مبارزه با امویان را بانیان اصلی حادثه کربلا و به شهادت رساندن امام خود متهم کرده اند.

شاید این سخن و شبهه در مرحله نخست برای ما از هر فیلم کمدی خنده آورتر باشد، اما وقتی با مقدمات به ظاهر علمی و تاریخی و تبلیغ آن در کشورهای مختلف اسلامی و در شبکه های ارتباط جمعی، به خورد توده های مردم و مسلمانان می دهند، آن وقت متوجه اهمیت این شبهه و شیطنت ماهرانه آنان خواهیم شد.

نویسنده معتقد است این شیطنت که پس از حادثه کربلا در طول چندین قرن با جعل و گزارش های دروغین تاریخی و تبلیغ و تأسیس قواعد منحرف کلامی و صدور فناوری به ظاهر شرعی مبنی بر عدم تجویز لعن یزید و حتی بهره گیری از خواب، سعی در تبرئه یزید و امویان داشت، اینک پا را فراتر نهاده، مسیبان و عاملان و معارضان قیام کربلا را شیعیان معرفی کرده اند و عزاداری آنان را یک تحریف بزرگ تاریخی تبیین می کنند؛ البته آنان خود می دانند که چنین ادعایی نباید تنها با سخنان سطحی و شعاری همراه باشد که در این صورت خود را مضحکه عالم و آدم خواهند کرد. از این رو، شبهه خود را با مقدماتی به ظاهر علمی بیان می کنند.

در بخشی از پیش گفتار این اثر آمده است: «کتاب حاضر در صدد بیان این مطلب است که آنان که در کوفه، مقابل قیام مسلم ایستادند و در کربلا سپاه عمر بن سعد را تشکیل دادند، دارای تفکر عثمانی بوده اند و کوفی بودن مساوی شیعه بودن، مغالطه ای بیش نیست. بدیهی است که این به معنای حاکمیت تفکر عثمانی بر کل شهر کوفه نیست و حتی انکار اکثریت شیعیان در برابر اقلیت عثمانی مذهبیان نیست و چنین ادعایی هم نشده است، اما معتقدیم همین اقلیت عثمانی، با پشتوانه قدرت زیاد و مدیریت فعال توانست با بسیج نیروهای خود در کوفه و البته استفاده ابراری از ارادل و اوپاش شهر، در برابر اکثریت بایستد و آنان را شکست دهد. این نه تنها بزرگ نمایی و طرف داری متعصبانه از یک گروه و حزب خاصی نیست، بلکه عین واقعیت و کشف حقیقتی تاریخی است. بزرگ نمایی و خطا این است که ما تداعیات ذهنی خود را که از کوفه داریم بر معارضان قیام امام حسین (ع) تحمیل کنیم و به یک سخن قلوبهم معک و سیوفهم علیک بچسبیم، بدون اینکه به آنچه در خارج اتفاق افتاده و به ماهیت معارضان، توجهی داشته باشیم.»

اثبات این مدعا در پنج بخش و یک ضمیمه تنظیم شده است؛ مفاهیم و بستر تاریخی آنها، برنامه های تغییر هویت سیاسی مذهبی کوفه، بازتاب تفکر عثمانی در کوفه، بازتاب تفکر عثمانی در کربلا، کربلا و نقش فقها و قراء، منع آب از عثمان و موضع امیرالمومنین (ع).

کتاب های قرآن مجید، نهج البلاغه، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، الذریعة الی تصانیف الشیعه، تفسیر آلوسی، مقتل الامام امیرالمومنین (ع)، کتاب الجرح والتعدیل، السنة، الکامل فی التاریخ، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، اللباب فی تهذیب الانساب، سوالات الأجرى، الفتوح، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب الامام الابرار، نهج الايمان، الدرالنظیم، کتاب الثقات، تقریب التهذیب، تهذیب التهذیب، فتح الباری، لسان المیزان، الثاقب فی المناقب، تاریخ ابن خلدون، الطبقات الكبرى، ترجمة الامام الحسين (ع)، غریب الحدیث، الايضاح، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مناقب آل ابی طالب، الفصول المهمة فی احوال الائمة (ع)، الملاحم والفتن، العقدالفرید، فضائل امیرالمومنین (ع)، معجم الصحابة، الامامة والسیاسة وhellip; از منابع مورد استناد مؤلف در تدوین این اثرند.